



Analysis of the Relationships between the Islamic Revolution Identity and Environmental Movement Identity in the World Arena

Hasan Naserkhaki*  Ph.D, Political Sciences, Shahed University, Tehran, Iran

Ali Morshedizad  Associate Professor, Political Science, Shahed University, Tehran, Iran

Abstract


Given the significance of the Islamic Revolution role-playing and increasing importance of the role of new social movements in the world arena, the present paper investigates the relations between new social movements and the Islamic Revolution and the effect of these movements on the promotion of the Islamic Revolution in the world arena. The research requires examining mutual relations between new social movements and the Islamic Revolution. Therefore, according to Alain Touraine's theoretical basics about new social movements and using a qualitative method, this paper comparatively studied components of identity in the Islamic Revolution and the Environmental movement as one of the new social movements in the world arena. It also extracted, compared, and examined the relations between these movement-stimulant components using categorization and encoding techniques. According to the findings of this study, it can be said that the Islamic Revolution has an identity beyond environmental movement. However, there is no contradiction between their components and therefore there is an overlap between the Islamic Revolution and environmental movement in the world arena.


Keywords: Islamic Revolution, Identity, Environmental Movement, World Arena.

* Corresponding Author: naserkhaki1@yahoo.com

How to Cite: Naserkhaki, H., Morshedizad, A., (2022), "Analysis of the Relationships between the Islamic Revolution Identity and Environmental Movement Identity in the World Arena", *Political Strategic Studies*, 11(41), 175-212. doi: 10.22054/QPSS.2022.67824.3034

تحلیل نسبت هویت انقلاب اسلامی و جنبش‌های محیط زیستی در عرصه جهانی

حسن ناصرخاکی *  دانش‌آموخته دکتری علوم سیاسی دانشگاه شاهد، تهران، ایران

علی مرشدی‌زاد  دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه شاهد، تهران، ایران

چکیده

با توجه به اهمیت نقش‌آفرینی انقلاب اسلامی در عرصه جهانی و اهمیت روزافزون نقش جنبش‌های نوین اجتماعی در عرصه جهانی، این مقاله به دنبال بررسی این پرسش اساسی است که جنبش محیط زیست بعنوان یک جنبش اجتماعی جهانی چه نسبتی با انقلاب اسلامی در عرصه جهانی دارد؟ در این راستا این مقاله بر اساس مبانی نظری «آلن تورن» پیرامون جنبش‌های نوین اجتماعی و جنبش محیط زیست با روشی کیفی به مطالعه تطبیقی مولفه هویت انقلاب اسلامی و جنبش‌های محیط زیستی پرداخته است. بدین منظور با تکنیک مقوله‌بندی و کدگذاری، هویت انقلاب اسلامی استخراج شده و سپس آن را با هویت جنبش‌های محیط زیستی مقایسه و نسبت‌سنجی کرده است. با توجه به یافته‌های این تحقیق می‌توان گفت که هرچند هویت انقلاب اسلامی فراتر از جنبش‌های محیط زیستی است اما تضادی میان آنها وجود ندارد لذا علاوه بر اینکه امکان شکل‌گیری جنبش‌های محیط زیستی مبتنی بر هویت انقلاب اسلامی وجود دارد زمینه همسویی و هم‌افزایی میان انقلاب اسلامی و جنبش‌های محیط زیستی فعال در عرصه جهانی نیز وجود دارد.

واژگان کلیدی: انقلاب اسلامی، هویت، جنبش محیط زیست، عرصه جهانی.

مقدمه

انقلاب‌های بزرگ اجتماعی دارای ارزش‌ها و آرمان‌هایی فراگیر هستند. این امر به خوبی در انقلاب‌های بزرگی همچون انقلاب فرانسه، روسیه و ایران قابل مشاهده است. به نظر می‌رسد یکی از موانع اصلی در پیگیری آرمان‌های جهانی انقلاب اسلامی ضعف در ارائه نظریه‌های بومی، روزآمد و کارآمد در این زمینه است. نظریه‌پردازی در این زمینه از یک سو نیازمند شناسایی دقیق و واقع‌بینانه توانمندی‌های بالقوه و بالفعل انقلاب و از سوی دیگر نیازمند شناخت دقیق از نظام و ساختار قدرت جهانی و بویژه تغییرات پی در پی در عرصه جهانی است؛ تا با شناسایی و تبیین ظرفیت‌ها، فرصت‌ها و تهدیدهای ناشی از این تغییرات، رویکردها و راهبردهای روزآمدی انتخاب گردد. از مهم‌ترین تغییرات رخ داده در عرصه جهانی می‌توان به این موارد اشاره کرد: حرکت نظام بین‌الملل به سمت نظام «فردی-جهانی» (سیف‌زاده، ۱۳۷۸: ۲۰۰)، ایجاد جامعه شبکه‌ای، شکل‌گیری حوزه‌های موضوعی جهانگیر، شکل‌گیری بین‌الملل‌گرایی‌های ارتباطی و درهم‌آمیختگی سپهرهای سیاسی و غیرسیاسی حیات اجتماعی که همگی منجر به افزایش نقش جنبش‌های نوین اجتماعی در عرصه جهانی گردیده‌اند (مشیرزاده، ۱۳۸۱: ۱۷۶-۱۸۱). بعنوان نمونه‌ای از این جنبش‌ها می‌توان به جنبش‌های محیط زیستی، جنبش «جهانی‌شدن دیگر»^۱ و جنبش زنان اشاره نمود.

در میان جنبش‌های نوین اجتماعی، جنبش‌های محیط زیستی جایگاه برجسته‌ای دارند به گونه‌ای که «اگر بنا باشد جنبش‌های اجتماعی را بر اساس نیروی مولد تاریخی آنها، یعنی تاثیر آنها بر ارزش‌های فرهنگی نهادهای جامعه ارزیابی کنیم، جنبش محیط زیست ربع پایانی قرن بیستم جایگاه ممتازی در چشم‌انداز تاریخ کسب می‌کند» (کاستلز، ۱۳۸۹: ۱۴۷). جنبش‌های محیط زیستی در قالب جنبش‌های نوین از سطح کشورهای پیشرفته به کشورهای در حال توسعه گسترش پیدا کردند و علاوه بر قشر متوسط، سایر اقشار جامعه را نیز دربر گرفتند همچنین دغدغه آنها از سطح مسائل محلی و ملی به سطح بین‌المللی گسترش پیدا کرده است (ساتن، ۱۳۹۲: ۱۵۷-۱۵۸). اکنون جنبش‌های محیط زیستی حضور فعالی در عرصه جهانی دارند به طوری که گفته می‌شود بدون جنبش‌های محیط زیستی هیچ کنفرانس سطح بالایی در سازمان ملل در خصوص گرم‌شدن زمین، کنترل

جمعیت، هیچ چارچوب قانون‌گذاری سبز مرتبط با سهمیه‌بندی آلودگی صنعتی یا محدودیت در خصوص مواد غذایی اصلاح‌شده ژنتیکی بوجود نمی‌آید (Doyle, 2005: 2).

با توجه به موارد فوق می‌بایست به این پرسش اساسی پاسخ داد که جنبش‌های نوین اجتماعی همچون جنبش‌های محیط زیستی فعال در عرصه جهانی چه نسبتی با انقلاب اسلامی داشته و چه تاثیری در پیشبرد انقلاب اسلامی در عرصه جهانی دارند؟ برای پاسخ بدین پرسش، ضروری است که مطالعات عمیقی پیرامون نقش، ظرفیت‌ها و موانعی که جنبش‌های نوین اجتماعی در پیشبرد آرمان‌ها و ارزش‌های جهانی ایجاد می‌کنند و مناسبات دوسویه‌ای که بین جنبش‌های نوین اجتماعی و انقلاب اسلامی وجود دارد، صورت گیرد تا تحلیل جامع و کاملی از این بحث ارائه گردد. در همین راستا این مقاله بر آن است که بر اساس یکی از نظریات موجود در زمینه جنبش‌های نوین اجتماعی، تحلیلی از تناسب هویت «جنبش‌های محیط زیستی» جهانی با هویت انقلاب اسلامی در عرصه جهانی ارائه نماید. لازم بذکر است این مقاله به مناسباتی که جنبش‌های محیط زیستی جهانی با عرصه تحولات داخلی در ایران و یا انقلاب اسلامی ایران دارند و یا می‌توانند داشته باشند، نخواهد پرداخت و صرفاً نسبتی که این جنبش‌ها و انقلاب اسلامی در عرصه جهانی می‌توانند با یکدیگر داشته باشند را مورد توجه قرار خواهد داد.

پیشینه تحقیق

با توجه به بررسی صورت گرفته در زمینه نگاه اسلام به محیط زیست، کتاب‌ها و مقالات متعددی منتشر شده است. از میان آنها می‌توان به کتاب «اسلام و محیط زیست» (جوادی آملی، ۱۳۹۴) و مقاله «اسلام و محیط زیست» (یعقوبی، ۱۳۸۰) اشاره کرد. در این آثار به تبیین نگاه اسلام با توجه به نصوص اسلامی پرداخته شده است. همچنین در زمینه مقایسه نگاه اسلام و غرب پیرامون محیط زیست نیز مقالات متعددی منتشر شده‌اند که از جمله این مقالات می‌توان به مقاله «مقایسه تحلیلی ارزش‌های زیست‌محیطی جهان اسلام و غرب؛ تحلیل ثانویه داده‌های پیمایش ارزش‌های جهانی (WVS)» (صالحی، حمایت‌خواه جهرمی، ۱۳۹۳) که به بررسی جایگاه ارزش‌های زیست‌محیطی در کشورهای مسلمان و غیرمسلمان با رویکرد تطبیقی پرداخته شده و همچنین مقاله «حق بر محیط زیست از منظر

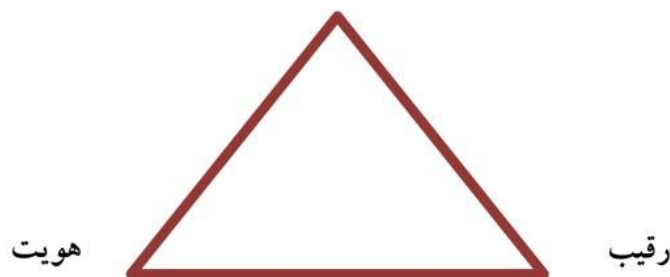
حقوق بشر بین‌المللی و اسلام» (قدیر، ۱۳۹۴) که به تطبیق حقوقی «حق بر محیط زیست» از منظر اسلام و حقوق بشر غربی پرداخته شده، اشاره کرد. برخی آثار نیز به مسائل ایران در پس از انقلاب حول موضوع محیط زیست پرداخته‌اند. از این میان در رساله دکتری با عنوان «سیاست انقلاب و محیط زیست»، مولف به بررسی سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها، تصمیم‌های اجرایی و مدیریتی بعد از انقلاب اسلامی و نحوه تأثیرگذاری آنها بر تخریب محیط زیست در ایران می‌پردازد (عبادی، ۱۳۹۷). در رساله دیگری با عنوان «تحول سیاست امنیتی جمهوری اسلامی ایران در حقوق حوزه محیط زیست»، مولف به بررسی تحول سیاست امنیتی نظام جمهوری اسلامی ایران در طول سال‌های پس از انقلاب اسلامی در حوزه محیط زیست با توجه به مفاهیم نوین پرداخته (پیرعباسی، ۱۳۹۸) و در رساله‌ای با عنوان «نسبت محیط زیست، دولت و شهروندی، رویکرد تقنینی نظام جمهوری اسلامی ایران»؛ مولف به بررسی نسبت محیط زیست، دولت و شهروندی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و در قوانین و مقررات عادی پرداخته است (لسانی، ۱۳۹۵). با این وجود با توجه به بررسی صورت گرفته، تاکنون پژوهشی پیرامون سنجش نسبت هویت انقلاب اسلامی و جنبش محیط زیست به مثابه یک جنبش اجتماعی فعال در عرصه جهانی منتشر نشده است.

مبانی نظری و روش تحقیق

در تبیین جنبش‌های اجتماعی دو رویکرد اساسی مطرح شده که عبارتند از: رویکرد آمریکایی یا آبرازی و رویکرد اروپایی یا ابرازی. نظریه جنبش نوین اجتماعی که ناشی از رویکرد اروپایی است به دگرگونی‌های صورت گرفته در مبناهای ساختاری منازعه می‌پردازد (دلاپورتا و دیانی، ۱۳۹۰: ۱۵). نظریه پردازان جنبش نوین اجتماعی به واسطه مطالعات خود درباره جنبش‌های ضد جنگ، محیط زیست، حقوق مدنی و فمینیست دریافته‌اند که جنبش‌های اجتماعی بر هویت‌سازی، تغییر ساختاری و کنترل اطلاعات تمرکز دارند تا بر تغییر تأثیر بگذارند (فلین، ۱۳۹۶: ۱۴۶). از میان این نظریه‌پردازان، «آلن تورن» جایگاه برجسته‌تری دارد و برای پارادایم معطوف به هویت، وسیع‌ترین چارچوب نظری را ایجاد کرده است (کوهن، ۱۳۸۶: ۴۶). لذا در این تحقیق با محور قرار دادن نظریه آلن تورن به بررسی موضوع پرداخته خواهد شد.

تورن معتقد است که جنبش‌های اجتماعی رخدادهایی استثنایی و نمایشی نیستند و همیشه در قلب زندگی اجتماعی جریان دارند. به تعبیر او جنبش‌ها «کنش جمعی کنشگران در عالی‌ترین سطح - طبقه کنشگران - می‌باشند که بر سر کنترل اجتماعی تاریخ‌مندی^۱ یعنی کنترل جهت‌گیری‌های فرهنگی عمده که روابط محیطی یک جامعه را به صورتی هنجارمند سامان‌دهی می‌کند، به نبرد می‌پردازند (Touraine, 1981: 26). تورن معتقد است که جنبش اجتماعی ترکیبی از مولفه‌های هویت، رقیب (مخالف) و هدف (کلیت) است. شکل (۱)

شکل ۱: اصول و مولفه‌های جنبش‌های اجتماعی
هدف (کلیت)



منبع: Touraine, 1981: 81

بر اساس مولفه هویت، یک جنبش ابتدا باید دارای هویت باشد یعنی مشخص باشد که معرف چه کسانی است؟ مدافع و محافظ چه منافع است؟ کنشگر هویت خود را با ارزش‌ها تعریف می‌کند. بر اساس مولفه رقیب، جنبش باید مشخص کند که در برابر چه مانع و یا نیرویی قرار دارد و حریف او کیست؟ مولفه هدف، بیانگر زمینه مشترک (کلیت) پیرامون ارزش‌های برتر، ایده‌های بزرگ و حقایق جهانی است. تورن معتقد است زمینه مشترکی که هدف جنبش‌های اجتماعی، کنترل آن می‌باشد عبارت است از جهت‌گیری‌ها، گرایش‌ها و یا الگوهای عمده فرهنگی. یعنی کنترل جهت‌گیری‌هایی که بوسیله آنها روابط ما با محیط پیرامونی به طور هنجارین سازمان می‌یابد. این جهت‌گیری‌های فرهنگی دارای سه نوع اصلی هستند: مدل دانش، نوع سرمایه‌گذاری و

1. Historicity

اصول اخلاقی (Touraine, 1985: 760). در این میان مولفه هویت برای جنبش‌های نوین بسیار حائز اهمیت است چراکه در واقع آنها جنبش‌های معطوف به هویت بوده و بیشتر به دنبال ابراز هویت گروه‌های تحت سلطه و تشکیل «هویت مقاومت» در برابر ارزش‌های حاکم بر جامعه هستند تا بدین طریق افراد و گروه‌های تحت سلطه بتوانند هویت‌های خاص خود را بروز داده و بر تأمین حقوق فرهنگی خود اصرار ورزند. با توجه به مبانی نظری فوق، این مقاله با روشی کیفی به انطباق نظریه آلن تورن با انقلاب اسلامی و جنبش‌های محیط زیستی می‌پردازد و بدین منظور از میان سه مولفه جنبش‌ساز بر مولفه هویت متمرکز شده و به سنجش تناسب هویت این دو با یکدیگر می‌پردازد.

هویت جنبش‌های محیط زیستی و انقلاب اسلامی

هویت جنبش‌های محیط زیستی

جنبش‌های محیط زیستی دارای جهت‌گیری‌ها و خاستگاه‌های اجتماعی مختلفی هستند. اما این اختلافات بیشتر تاکتیکی و بر سر اولویت‌ها است، نه درباره خط مشی اساسی دفاع از محیط زیست بر پایه ارزش‌های نوین انسانی (نقوی، ۱۳۸۶: ۱۱۰). جنبش‌های زیست‌محیطی عمدتاً دارای چارچوبی مشترک در مورد سوء استفاده از قدرت بوسیله شرکت‌ها و سیاست‌های نامناسب حکومت‌ها و در نتیجه پدیدآوردن مشکلات زیست‌محیطی و اجتماعی هستند. به منظور استخراج هویت جنبش محیط زیستی در ادامه، ابتدا توضیح مختصری پیرامون برخی از این جنبش‌ها ارائه سپس به طرح برخی از دیدگاه‌های نظری در این زمینه پرداخته می‌شود تا مستندات لازم برای جمع‌بندی پیرامون هویت جنبش‌های محیط زیستی فراهم گردد.

الف- جنبش‌های محیط زیستی فعال در عرصه جهانی

* جنبش دوستان زمین^۱، صندوق جهانی حیات وحش^۲ و گروه ده^۳

1. Friends of the Earth International
2. World Wide Fund for Nature
3. Group of Ten

«صندوق جهانی حیات وحش»، «جنبش دوستان زمین» و «گروه ده» از جمله جنبش‌های محیط زیستی فعال در عرصه جهانی هستند. «صندوق جهانی حیات وحش» با این درک که مشکلات مربوط به محیط زیست اغلب ریشه در موضوعات گسترده‌تر اجتماعی و اقتصادی دارند در شش موضوع جهانی کار می‌کند: جنگل‌ها، آب شیرین، اقیانوس‌ها و سواحل، گونه‌های مورد تهدید، تغییرات آب و هوایی و سموم (WWF, 2001: 4). صندوق جهانی حیات وحش به آینده کره زمین اهمیت می‌دهد و به دنبال تاسیس آینده‌ای است که در آن بشر در هماهنگی با طبیعت زندگی کند. این سازمان به این دلیل موفق و مشهور شده که حول رویکرد علم‌محور برای حفاظت از طبیعت تاسیس شده است (مشیرزاده، ۱۳۹۲: ۲۰۶).

جنبش «دوستان زمین» به دنبال داشتن جهانی صلح‌آمیز و پایدار مبتنی بر جوامعی است که زندگی‌شان در تعادل با طبیعت باشد. در این راستا هدف و ماموریت‌های جنبش «دوستان زمین» عبارت است از: توقف و تخریب محیط زیست و فرسایش منابع طبیعی، اطمینان از مشارکت عموم در تصمیم‌سازی‌ها، درگیر شدن در مبارزات پرشور، افزایش آگاهی، بسیج مردم و تاسیس اتحادیه‌هایی با جنبش‌های متنوع، ارتباط با درگیری‌های جهانی، ملی و مردمی (Foi ND).

جنبش «گروه ده» جنبشی است که ابتدا در امریکا شکل گرفت. در دهه ۱۹۸۰ نهادهایی مثل باشگاه «سی‌پرا»^۱ و «انجمن اودابن»^۲، «صندوق دفاع از محیط زیست» و «مدافعان حیات وحش» در معاهده‌ای به نام «گروه ده» متحد شدند. گروه ده به دنبال حفظ جلوه‌های مختلف طبیعت وحشی است. آنها خود را دوستان طبیعت معرفی می‌کنند و به وجود چنین احساسی نزد همگان، صرف نظر از تفاوت‌های اجتماعی، توسل می‌جویند.

* صلح سبز

از میان جنبش‌های محیط زیستی، «صلح سبز» یکی از مهمترین جنبش‌های دارای ساختار جهانی است. صلح سبز یک سازمان مبارزاتی است که از تقابل صلح‌آمیز و خلاقانه برای افشای مشکلات جهانی محیط زیست استفاده می‌کند و راه‌حل‌هایی را برای آینده‌ای سبز و صلح‌آمیز ارائه می‌دهد (Greenpeace, Our values, 2019). صلح سبز معتقد است

1. Sierra Club
2. Group of Audubon

که «این زمین شکننده سزاوار یک صدا است. به راه‌حل‌ها نیاز دارد. به تغییر نیاز دارد. به عمل نیاز دارد» (Greenpeace, Who we are, 2019). طرفداران صلح سبز که موسوم به «جنگجویان رنگین کمان» هستند، معتقدند که «خوش‌بینی نوعی شجاعت است و با یک میلیارد کنش شجاعانه، فردا می‌تواند روشن‌تر شود. برای رسیدن به این هدف ما شجاعت را مدل می‌کنیم، با شجاعت قهرمان می‌شویم، داستان‌هایی از اقدامات شجاعانه را توسط حامیان و هم‌پیمانان خود به اشتراک می‌گذاریم، ما مردم را از مناطق آسایش خود دعوت می‌کنیم تا با ما، به صورت جداگانه در زندگی روزمره خود، و در اجتماع با دیگرانی که تعهد ما را نسبت به دنیای بهتری به اشتراک می‌گذارند، شجاعانه عمل کنند» (Greenpeace, Our Vision, 2019).

* جنبش‌های محیط زیستی «پادفرهنگ»

جنبش‌هایی مثل «اول زمین!»، «کلاتران دریا!»، «نهضت آزادی حیوانات» و «اکوفمینیست‌ها» را می‌توان در محیط زیست‌گرایی پاد-فرهنگ^۱ جای داد. برخی از نیرومندترین پاد-فرهنگ‌ها در جوامع ما به صورت پیروی محض از قوانین طبیعت بیان شده‌اند و از همین روی بر اولویت احترام به طبیعت در مقابل تمامی نهادهای بشری تأکید می‌کنند (کاستلز، ۱۳۸۹: ۱۵۳). به‌رغم تفاوت این جنبش‌ها، همه جنبش‌های پادفرهنگ محیط زیستی متأثر از «بوم‌شناسی ژرف»^۲ هستند. در بوم‌شناسی ژرف مسائل زیست‌محیطی در بعد کلان آن و با توجه به ارزش واقعی و ذاتی سیاره ما و کل موجودات آن مورد توجه واقع می‌شود و بر یگانگی و وحدت بین انسان و کل موجودات تأکید می‌شود (طاهرپور، جاویدی، باقری، نقی‌زاده، ۱۳۹۵: ۶۱).

1. Counter- cultures

پادفرهنگ را می‌توان چنین تعریف کرد: «کوشش عمدی برای زندگی بر اساس هنجارهای متفاوت و تاحدی متناقض با هنجارهای مورد حمایت نهادهای جامعه، و همچنین تعارض با این نهادها بر سر اصول و عقاید بدیل» (کاستلز، ۱۳۸۹: ۱۴۹).

2. Deep Ecology

متاثر از بوم‌شناسی ژرف در اواخر دهه ۱۹۷۰ شماری از «اکولوژیست‌های رادیکال»^۱ به رهبری دیوید فورمن، جنبش «اول زمین!» را ایجاد کردند. جنبشی که فعالیت اصلی آن نافرمانی از قوانین مدنی و حتی خرابکاری علیه تاسیسات صنعتی زیانبار، حفاری‌ها و دیگر تجاوزها به طبیعت بود.

از دیگر جنبش‌های پادفرهنگ محیط زیستی می‌توان به «اکوفمینیسم» اشاره کرد. اکوفمینیسم جنبشی است که در اواخر دهه ۱۹۷۰ توسعه پیدا کرد. این رویکرد به دلیل کارکردهای مشترک دو عنصر بارداری و بازتولید میان طبیعت و زنان، مدعی پیوندهای ویژه زنان با محیط زیست است. اکوفمینیست‌ها معتقدند طبیعت نیز همچون زنان به واسطه حاکمیت عقلانیت مذکر، مورد ظلم واقع شده است و این امر به ارتباط نادرست بین انسان و طبیعت منجر شده است (طاهرپور، جاویدی، باقری، نقی‌زاده، ۱۳۹۵: ۶۱). اکوفمینیسم به اصل احترام مطلق به طبیعت همچون سنگ‌بنای رهایی از پدرسالاری و صنعت‌گرایی باور دارد. آنان زنان را قربانی همان خشونت پدرسالارانه‌ای می‌بینند که بر طبیعت تحمیل می‌شود. به بیان جو دیت پلانت: «زنان عموماً منفعل بوده‌اند، همچنان که طبیعت منفعل بوده است. اما امروز بوم‌شناسی به حمایت از زمین، به حمایتی از «آن دیگر» روابط انسانی - محیطی سخن می‌گوید و اکوفمینیسم با سخن گفتن از «آن دیگران» اصل درهم تنیده تمامی صور سلطه و راه‌های مقاومت در برابر تغییر است» (کاستلز، ۱۳۸۹: ۱۵۵).

ب- دیدگاه‌های نظری پیرامون هویت جنبش‌های محیط زیستی

امروزه بتدریج جنبش محیط زیست از مباحث اکولوژی به مباحث فرهنگی همچون عدالت محیط زیستی^۲، حقوق بشر^۳، رابطه انسان با محیط، حق انسان بر طبیعت و حق طبیعت بر انسان کشیده شده است. برجسته شدن نگاه فرهنگی به عرصه محیط زیستی به

۱. این دسته از بوم‌شناسان، اقدامات محیط زیستی و انقلاب فرهنگی را به هم پیوند می‌دهند و دامنه جنبش فراگیر محیط زیستی را از طریق برساختن آرمانشهر زیست‌محیطی (اکوتوپیا) وسعت می‌بخشند (کاستلز، ۱۳۸۹: ۱۵۳).

2. Environmental Justice

۳. از آغاز دهه ۱۹۷۰ با تعریفی که از «حق محیط زیست سالم» وجود داشته است، این حق بعنوان یک حق اساسی در مجموعه جدیدی از حقوق بشر تحت عنوان «حقوق نسل سوم» مورد توجه واقع شده است (جمالی، ۱۳۸۹: ۱۲۱-۱۲۲).

حدی افزایش یافته است که برخی اساساً جنبش محیط زیست را یک جنبش فرهنگی می‌دانند. بر این اساس ردیابی ریشه‌های تاریخی رابطه انسان با محیط، بررسی مفاهیم کلیدی مانند محیط انسانی، محیط غیر انسانی و طبیعت و رابطه این مفاهیم با هم، استفاده‌های ایدئولوژیکی از محیط زیست، نحوه نگرش برخی متفکران مهم پیرامون محیط زیست و طرح کلی «سبز کردن»^۱ نظریه‌های اجتماعی جدید و توسعه «نظریه اجتماعی سبز»^۲ در نظریه‌های اجتماعی مهم شدند (Barry, 2007: 1).

به نظر تورن جنبش محیط زیست نماد یک تصمیم «خود-مدیریتی»^۳ بر ضد مدیریت تکنوکراتیک یعنی یک پروژه اجتماعی علیه آن است (Touraine, 1981: 12). تورن معتقد است که محیط زیست‌گرایان به دنبال حل تضاد مدرنیته اقتصادی و اصل تعادل طبیعی بعنوان عاملی که زندگی را بر سطح کره زمین ممکن ساخته و برقراری پیوند میان طبیعت و فرهنگ هستند (تورن، ۱۳۹۶: ۳۰۵ و ۳۱۰). تورن اهمیت روزافزون جنبش محیط زیست را در ارتباط با تحول در نحوه نگرش به انسان و جهانی‌شدن مورد توجه قرار می‌دهد.

کاستلز نیز معتقد است که جنبش محیط زیستی و سبز، واکنشی زیست‌شناختی در برابر چیزی نیست «بلکه یک جنبش فرهنگی است. این جنبش نتیجه نقد مدلی از تمدن‌سازی است که رابطه ما با طبیعت را در مدل رشد اقتصادی و توسعه تکنولوژیک خود نمی‌گنجاند» (کاستلز، ۱۳۸۴: ۹۵). کاستلز معتقد است که جنبش محیط زیست پر دامنه‌ای که از اواخر دهه ۱۹۶۰ در اکثر نقاط جهان پدید آمد تا حد زیادی ریشه اصلی تحول چشمگیر نحوه اندیشیدن ما درباره رابطه بین اقتصاد، جامعه و طبیعت است و از همین روی نطفه‌گذار فرهنگ نوینی است (کاستلز، ۱۳۸۹: ۱۴۸). به نظر کاستلز بوم‌شناسان از طریق مبارزه‌های بنیادین موجد آفرینش هویت نوینی می‌شوند، هویتی زیست‌شناختی و فرهنگی که نوع بشر را عنصری از طبیعت می‌داند. این هویت زیست‌شناختی - جامعه‌شناختی به معنای نفی فرهنگ‌های تاریخی نیست. این هویت، هویتی جهانی است که برای تمامی انسان‌ها، صرف‌نظر از تعلقات اجتماعی، تاریخی یا جنسی و یا صرف‌نظر از ایمان دینی مطرح می‌شود. بوم‌شناسان برای فرهنگ‌های قومی

1. Greening
2. Green Social Theory
3. Self-managing

احترام قائلند و اصالت فرهنگی سنت‌های متعدد را قبول دارند. اما دشمن واقعی آنها ملی‌گرایی دولتی است. زیرا دولت ملی وحدت نوع بشر و همچنین رابطه متقابل بین مناطق را می‌گسلد و اشتراک سهم ما را در زیست‌بوم جهانی تضعیف می‌کند (کاستلز، ۱۳۸۹: ۱۶۵).

بر این اساس به نظر می‌رسد که جنبش‌های محیط زیستی را می‌توان جنبش‌هایی با هویت فرهنگی دانست، هویتی که مبتنی بر نگرشی خاصی پیرامون رابطه انسان و طبیعت شکل گرفته است. این جنبش‌ها هر چند عمدتاً مدرنیته را قبول دارند و لذا دارای هویتی مدرن هستند اما با این وجود با سیاست‌ها و مدلی از تمدن‌سازی مدرن که منجر به تضاد مدرنیته اقتصادی و اصل تعادل طبیعی شده است در تعارض بوده و برای خود هویتی دفاع کننده از محیط زیست و مبارزه کننده علیه رویکردها، سیاست‌ها و اقدامات مخرب محیط زیست قائل هستند.

پ- هویت انقلاب اسلامی

در این پژوهش برای استخراج هویت انقلاب اسلامی، سه حوزه به طور مفصل مورد بررسی قرار گرفته، کدگذاری و مقوله‌بندی شده‌اند: اندیشه‌های رهبر انقلاب (امام خمینی)، شعارهای برهه انقلابی^۱ و قانون اساسی منبث از انقلاب. با توجه به محدودیت‌های مقاله در اینجا صرفاً نتایج این بررسی ارائه شده و به اختصار به توضیح آن پرداخته می‌شود.^۲ با توجه به هویتی که برای انقلاب اسلامی بدست آمده می‌توان گفت که این انقلاب دارای هویتی انسانی، اسلامی و مکتبی است که می‌توان آن را در هویت کلان «فطری» تعریف نمود. مکتبی بودن این انقلاب را می‌توان ناظر به هویت شیعی و اسلامی بودن آن را ترسیم‌گر هویت آن در عرصه جهان اسلام و سایر موحدان دانست. در این میان انسانی بودن این انقلاب ترسیم‌گر هویت جهانی آن و ناظر به تمام انسان‌هایی است که در جهان زندگی می‌کنند. انسانی بودن هویت انقلاب ایران مفهومی است که توسط رهبر انقلاب مطرح و برجسته شده است لذا پیش از هر چیزی لازم است نگاهی به

۱. برای کدگذاری و مقوله‌بندی شعارهای انقلاب اسلامی، کتاب «جامعه‌شناسی شعارهای انقلاب اسلامی» تالیف محمدحسین پناهی (پناهی، ۱۳۹۲) مبنای کار قرار گرفته است.

۲. برای مطالعه تفصیلی پیرامون کدگذاری و مقوله‌بندی‌های صورت گرفته رجوع شود به (ناصرخاکی، ۱۳۹۹: ۸۸-۱۴۶).

هویت انقلاب اسلامی در اندیشه امام خمینی بیندازیم. در جدول زیر برخی از کدهای مهم که ناظر به هویت انقلاب اسلامی در اندیشه امام خمینی است مشاهده می‌شود. به نظر می‌رسد که زیر مقوله‌های اسلامی، مکتبی و انسانی بودن این انقلاب بیانگر هویت انقلاب از منظر رهبر انقلاب هستند.

جدول ۱- هویت انقلاب اسلامی بر اساس اندیشه رهبر انقلاب

مقوله	زیر مقوله	منبع	کدهای مهم
فقری بودن	اسلامی- مکتبی	ج ۸، ص: ۴۰	این نهضت چون یک نهضت الهی بود، نه یک نهضت مادگرایی، نهضت ملی، یک نهضت الهی یک نهضت اسلامی بود، از این جهت پیروز شد.
		ج ۵، ص ۸۱	انقلاب اسلامی بر مبنای اصل توحید استوار است که محتوای این اصل در همه شئون جامعه سایه می‌افکند.
		ج ۱۶، ص: ۴۴	این انقلاب چون مردمی و اسلامی است، از همه انقلابهای جهان پر ثمرتر و کم ضایع‌تر است.
		ج ۱۶، ص: ۲۴۰	مردم، علیه ظلم و بیداد، تحجر و واپسگرایی قیام کردند و فکر اسلام ناب محمدی را جایگزین تفکر اسلام سلطنتی، اسلام سرمایه داری، اسلام التقاط و در یک کلمه اسلام امریکایی کردند.
		ج ۶، ص: ۱۳۰	باید ملت ایران بداند که این انقلاب ایران با سایر انقلاباتی که در دنیا واقع شده است فرق دارد. این انقلاب از باب اینکه انقلاب اسلامی و انسانی بود ضایعات کمی به بار آورد.
	انسانی- انسانی	ج ۶، ص: ۱۷۸	این ثوره چون اسلامی بود و انسانی، مثل برق در تمام اقطار ایران، از آن دهکده‌های دورافتاده تا مرکز سرایت کرد و [به] همه اقشار ایران [رسید] و به واسطه همین وحدت کلمه بود که نتوانست این قوای شیطانی مقاومت کند، و سنگر را یکی پس از دیگری تحویل داد.
		ج ۹، ص: ۴۰۲	بحمدالله- این انقلابی که در ایران پیدا شد که من این انقلاب را خیلی به آن خوشبین هستم. نه از این باب که محمدرضا را شکست داد؛ این هم زیاد بود؛ خیلی عظیم بود؛ و نه از این باب که غرب و شرق را شکست داد؛ از این باب که یک انقلاب انسانی پیدا شد؛ خودشان را شناختند.
		ج ۴، ص: ۳۵	الآن که ایران قیام کرده است و یک نهضت بزرگ انسانی- اسلامی کرده است، شما هم با آنها هم قدم باشنید.
		ج ۴، ص ۱۲۲	نهضتی که در ایران است، یک نهضت انسانی است، که همان نهضت اسلامی است؛ نهضتی اسلامی- انسانی است.
		ج ۶، ص: ۱۳۱	همه ملت باید دست به هم بدهند و هرکس در هر شغل، مقام و مکانی که هست، دست به دست بدهد و با هم این بنای جدید را به پایان برسانیم، و یک ملت جدید و یک دولت جدید و یک بنای جدید که همه اسلامی باشد و همه انسانی باشد ما از سر بنا کنیم.
ج ۶، ص ۱۴۴	در این انقلاب مذهبی شما، در این انقلاب اسلامی- انسانی شما بحمد الله ضایعات بسیار کم بود؛ برای اینکه حفظ ایمان شما را وادار کرده بود با ظلم مخالفت کنید. شیطان از این عمل شما دور بود. نظر خدای تبارک و تعالی با شما بود، نظر امام زمان- سلام الله علیه- با شما بود.		
ج ۶، ص: ۲۳۴	نهضت رسول اکرم نهضت انسانی بود، نهضت الهی بود؛ مثل قدرتهای دیگر نبود که		

		شیطانی است [و] برای منافع شخصی یا برای دولت‌داری قیام کردند و آدم‌کشی می‌کنند. خیر، یک قدرت الهی دنبال این بود
	ج ۷، ص: ۶	این قیام قیام حق بود، قیام حق بر باطل بود، قیام الوهیت بر طاغوت بود، قیام انسانیت بر توحش بود، قیام تمدن بر بربریت بود. [در] این قیام انسانی در عین حال که ما هیچ نداشتیم و آنها همه چیز، بر آنها غلبه کردیم. این غلبه را خدای تبارک و تعالی نصیب ما کرد

لذا از منظر امام خمینی، انقلاب ایران انقلابی با هویت انسانی- اسلامی است. امام خمینی نه تنها انقلاب ایران بلکه نهضت و بعثت پیامبر را نیز مقوله‌ای با هویت انسانی می‌داند (صحیفه امام، ج ۶: ۲۳۴). به نظر ایشان همین انسانی‌بودن انقلاب اسلامی باعث شده است که دامنه آن خیلی سریع گسترش یافته و با کمترین هزینه نیز به پیروزی برسد (صحیفه امام، ج ۶: ۱۴۴ و ۱۷۸). انسانی‌بودن هویت این انقلاب را می‌توان به معنی فطری بودن هویت آن دانست. لذا برای فهم انسانی‌بودن هویت انقلاب می‌بایست به مفهوم «فطرت» انسان‌ها که مفهوم و هویتی جهانشمول است توجه نمود.

در اندیشه اسلامی، فطرت به معنای نوعی خلقت ویژه انسان است که صبغه الهی دارد. مهم‌ترین ویژگی‌های فطرت را می‌توان فراگیری فطرت در نوع بشر، تغییرناپذیری، بالقوه بودن و سپس بالفعل شدن و مقدس بودن دانست (رودگر، ۱۳۸۴: ۶۵). در آیه فطرت، این سرشت مختص به گروه یا افراد خاصی دانسته نشده است و با استعمال واژه «ناس» این صبغه الهی همگانی معرفی شده است. پس فطریات در همه افراد یافت می‌شود، هرچند کیفیت‌شان از نظر ضعف و شدت در افراد متفاوت است (مصباح، ۱۳۸۰: ۴۴). فطرت؛ زبان ثابت، همگانی و همیشگی انسان‌ها است. این زبان برخلاف زبان‌های اقوام و ملل مختلف، اعتباری و قراردادی نیست بلکه سرمایه تکوینی انسان‌هاست که هیچ‌کس نمی‌تواند دلالت‌های معنایی آن را تغییر دهد. زبان فطرت بدون نیاز به هرگونه اعتبار و قرارداد و تصویب، توان پیوند انسان‌ها را دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۴۱). انسان‌ها بر اساس این زبان مشترک، امکان مفاهمه و ارتباط در هر فرهنگ و جغرافیایی را پیدا می‌کنند (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۲۴۱).

انسان دارای یک هویت تکوینی است که مخلوق اجتماع نیست بلکه در متن خلقت به او اعطا شده است و همین هویت تکوینی منشا انسانیت اوست، چرا که «پایه و اساس شخصیت انسانی که مبنای تفکرات او و گرایش‌های متعالی اوست، در متن خلقت او با دست عوامل آفرینش نهاده شده است... انسان تحت تاثیر عوامل بیرونی، شخصیت فطری

خود را پرورش می‌دهد» (مطهری، ۱۳۸۷، (ب): ۱۰۰). بنابراین از این منظر اصل «تطابق خاستگاه و جهت‌گیری» و یا «تطابق پایگاه اجتماعی و پایگاه اعتقادی» مردود بوده و غیر انسانی شمرده می‌شود (مطهری ۱۳۸۷، (ب): ۱۹۵). بر این اساس «انسان نه ساخته و پرداخته به دنیا می‌آید و نه خالی و فاقد هر بعدی از ابعاد انسانی که تمام ابعاد انسانی را جامعه به او بدهد؛ بلکه انسان وقتی که به دنیا می‌آید بذری این امور انسانی در وجودش کاشته شده، در جامعه اینها باید رشد کند» (مطهری، ۱۳۷۴: ۲۵۳). با پذیرش دوگانه روح فردی و روح جمعی، انسان‌ها در جامعه یکسره مغلوب الزامات اجتماعی نیستند و در حالتی بینابین قرار داشته و بین دو من زندگی می‌کنند: «حیات و روح و من فطری انسانی که مولود حرکات جوهری طبیعت است و دیگری حیات و روح و من جمعی که مولود زندگی اجتماعی است و در من فردی حلول کرده است و علی‌هذا بر انسان هم قوانین روانشناسی حاکم است و هم سنن جامعه‌شناسی» (مطهری ۱۳۸۷، (ب): ۳۴) با این وجود روانشناسی انسان بر جامعه‌شناسی مقدم است (مطهری، ۱۳۸۷، الف: ۲۸۴).

نکته‌ای که در اینجا حائز اهمیت است رابطه فطرت با امور اجتماعی همچون جنبش‌های اجتماعی و انقلاب است. مهم‌ترین نکته در این زمینه نوع رابطه فرد و جامعه است. با پذیرش این امر که «مسیر انسان را یک مقدار همان فطرت اولیه خود انسان تعیین می‌کند و یک مقدار جامعه» (مطهری، ۱۳۷۴: ۱۵۸). تحقق پدیده‌های اجتماعی و مدخلیت علی‌کنشگر در آنها، تنها به غرایز حیوانی انسان باز نمی‌گردد بلکه می‌تواند ریشه در فطریات انسانی کنشگر داشته و از جاذبه‌های معنوی نهفته در سرشت او برخیزد. بر این اساس اینگونه نیست که در همه جنبش‌ها و انقلاب‌های اجتماعی، کنشگران به دنبال منافع طبقاتی در حوزه اقتصاد یا قدرت طلبی در حوزه سیاست باشند بلکه نوعی از جنبش‌ها و انقلاب‌ها هستند که برخاسته از «خودآگاهی الهی و فطری» عاملیت‌های انسانی و محصول بیدار شدن فطرت خفته انسان‌ها هستند (جمشیدی، ۱۳۹۰: ۵۶). لذا «انقلاب‌ها صرفاً خصلت اجتماعی محض ندارند، بلکه در سرشت انسان ریشه دارند» (مطهری، ۱۳۸۵: ۲۳). بر همین اساس انقلاب اسلامی، نهضتی انسانی و یا بعبارتی دیگر یک نهضت فطری از تیپ نهضت پیامبران و برخاسته از خودآگاهی یا خداآگاهی است چرا که «یک نهضت اسلامی، نهضت انسان‌گرا به معنی واقعی کلمه است، چون نهضتی است که از فطرت انسان ناشی می‌شود» (مطهری، ۱۳۸۷، الف: ۳۲). با توجه به آنکه اسلام

منطبق با نیازهای فطری بشر است لذا انقلاب انسانی و انقلاب اسلامی در راستای هم هستند. علاوه بر این از آنجایی که این خودآگاهی ریشه در اعماق فطرت بشر دارد، نتیجه در کل جامعه بشری در عرصه جهانی مشترک است. از آنجا که «هرگاه تذکری پیامبرانه، شعور فطری بشر را به خالق و آفریدگارش، به اصل و ریشه‌اش، به شهر و دیاری که از آنجا آمده و یک آشنایی مرموز نسبت به آنجا در خود احساس می‌کند، بیدار سازد، این دل‌بستگی به ذات جمیل الاطلاق منتهی می‌گردد. دل‌بستگی به خدا که سرسلسله ارزش‌ها است به دنبال خود، دل‌بستگی به کمال و زیبایی و عدل و برابری و گذشت و افاضه و فداکاری و خیررسانی در او به وجود می‌آورد» (مطهری، ۱۳۸۶: ۶۴). لذا دامنه این انقلاب انسانی می‌تواند کل جهان را در بر گیرد. بر این اساس انقلاب انسانی ایران یک انقلاب اسلامی با دامنه و تاثیری در عرصه جهانی است. بر این اساس باید گفت که انسانی بودن انقلاب علاوه بر اینکه بیانگر هویت انقلاب است بیانگر دامنه این انقلاب در عرصه جهانی و شمول آن بر تمام انسان‌ها در سطح جهانی است. لذا می‌توان گفت که انسانی و یا فطری بودن انقلاب ایران سطح این انقلاب را از انقلابی در و برای ایران به انقلابی برای عرصه جهانی گسترش می‌دهد و مبین پتانسیل نقش‌آفرینی جهانی انقلاب ایران است و می‌تواند بیانگر امکان و ضرورت جنبش‌سازی این انقلاب در عرصه جهانی نیز باشد.

در مجموع می‌توان گفت که هویت اسلامی و هویت انسانی انقلاب ایران در یک نقطه با یکدیگر اشتراک پیدا می‌کنند و آن ابتدای این هویت بر فطرت است و از آنجا که فطرت سرمایه درونی انسان‌ها جوامع و فرهنگ‌ها است، تفهیم حقایق فطری نیازمند تلاش زیادی نیست؛ کافی است انسان‌ها به حقایق تنبه داده شوند. روش اصلی پیامبران و اولیای الهی در برخورد با مردم نیز تنبه و یادآوری بوده است. بنابراین در ارتباطات فرهنگی و میان فرهنگی، ارائه فطریات و الگوسازی، جریان‌سازی و جنبش‌سازی بر این اساس به روش‌هایی چون اقامه برهان یا جدال اولویت دارد. بر همین اساس در موضوع حضور انقلاب در عرصه جهانی، رساندن پیام فطری انقلاب به گوش جهانیان و جنبش‌سازی بر مبنای این خواست‌ها و گرایش‌های فطری و هم‌افزایی با جنبش‌های همسو با این فطریات بر جدال با سایر تمدن‌ها و فرهنگ‌ها تقدم دارد. از آنجا که فطریات میان تمام انسان‌ها مشترک هستند از این زمینه مشترک می‌توان بعنوان زمینه مشترک جهانی برای ایجاد

جنبش‌های نوین اجتماعی در عرصه جهانی مبتنی بر اهداف فطری و در رقابت با جهت‌گیری‌های ضد فطری به خصوص در پارادایم فرهنگی و در تامین حقوق فرهنگی افراد استفاده کرد. بر این اساس مبتنی بر هویت انقلاب ایران می‌بایست در پی شکل‌گیری جنبش‌هایی مبتنی بر هویت حقیقت‌جویی، فضیلت‌خواهی، زیبایی‌طلبی، خلاقیت‌خواهی، عشق و پرستش‌جویی، آزادگی و سایر خواسته‌های ناشی از گرایش‌های فطری انسان همچون ظلم‌ستیزی، عدالت‌خواهی و استکبارستیزی بود.

از سویی دیگر می‌بایست با تمام جنبش‌های نوین اجتماعی که در حال حاضر در سطح جهانی فعال بوده و به گونه‌ای ناشی یا مرتبط با خواسته‌ها و گرایش‌های فطری فوق هستند، نسبتی هم‌افزا برقرار کرد و به این ترتیب یک کلان جنبش «بیداری طلب» در عرصه جهانی ایجاد نمود. جنبشی که به دنبال بیداری فطرت خفته بشری در عرصه جهانی و گسترش و تعمیق این خواسته‌ها در سطح سوژه‌های کنشگر و عرصه جامعه جهانی باشد. لذا می‌توان گفت که جنبش‌هایی که در سراسر جهان از منظر هویت همسو با فطرت بشری هستند با انقلاب ایران نیز همسو بوده و می‌توانند نسبتی هم‌افزا با یکدیگر پیدا کنند. فی‌المثل جنبش‌هایی که در مواجهه با «کالایی شدن»، «تخریب محیط زیست»، شکل گرفته و یا هویتی «معنویت‌گرا»، «برابری طلب»، «ظلم‌ستیزی» و «آزادی‌خواه» دارند، همسو با هویت فطری انقلاب ایران بوده و می‌توانند نسبتی هم‌افزا داشته باشند.

تحلیل نسبت هویت جنبش‌های محیط زیستی و انقلاب اسلامی در عرصه جهانی

الف- نسبت نظری جنبش‌های محیط زیستی و انقلاب اسلامی از منظر مولفه هویت

برای تحلیل نسبت هویت جنبش‌های محیط زیستی با انقلاب اسلامی در عرصه جهانی می‌بایست به تحلیل نسبت این دو با یکدیگر پرداخت.

پیش از پرداختن به نسبت هویت جنبش‌های محیط زیستی با انقلاب اسلامی باید توجه داشت که در تمام ادیان ابراهیمی، آئین زرتشتی و دین‌های آسیایی به حفظ محیط زیست و آلوده نکردن آن و رعایت حقوقی که برای گیاه و حیوان متصور است، توصیه شده است. برخی بر این باورند که بحران زیست‌محیطی در واقع یک بحران معنوی و

دینی است (Motavalli, 2002: 2-11). با اهمیت یافتن تاثیر باورهای اخلاقی و ارزش‌های مذهبی بر رفتار نسبت به دیگران و از جمله رابطه با سایر موجودات و گیاهان، تاکید بر این است که راه‌حل بحران‌های زیست‌محیطی باید در بازگشت مجدد به سنت ادیان جستجو شود (محقق داماد، ۱۳۸۰: ۷-۳۰). از این منظر بحران محیط زیست در وهله نخست یک بحران معنوی است و راه‌حل آن نیز احیای قداست طبیعت است (نصر، ۱۳۸۶: ۲۰۷). بر پایه چنین دیدگاه‌هایی، گفتگوهای زیست‌محیطی بین ادیان شکل گرفته و چندین گردهمایی بین‌المللی نیز تشکیل شده است (امین‌زاده، ۱۳۸۱: ۹۷). در این نشست‌ها، حل بحران‌های زیست‌محیطی از طریق پیوند علم و دین مورد تاکید قرار گرفته است.

با این وجود باید توجه داشت که جنبش‌های محیط زیستی مدافعان مدرن محیط زیست هستند هر چند که غالباً با توسعه مدرن (مدرنیسم) صورت گرفته در جوامع سرمایه‌داری و غرب مشکل دارند و تفسیر خاصی از هویت مدرن را قبول دارند. لذا اولین نکته‌ای که پیرامون تناسب هویت‌ها باید بدان توجه داشت نسبت هویت مدرن جنبش‌های محیط زیستی با انقلاب اسلامی است. از آنجا که در مورد مدرنیته نظرات متفاوت و بعضاً متضادی مطرح شده است در اینجا با توجه به مبانی نظری آلن تورن به اختصار به بررسی مدرنیته پرداخته و سپس مواردی پیرامون نسبت آن با انقلاب اسلامی مطرح می‌شود. تورن معتقد است که مدرنیته به دنبال خلق جهانی جدید مبتنی بر تناسبی تنگاتنگ میان تولید، سازماندهی جامعه و ساماندهی به زندگی شخصی بوده است (تورن، ۱۳۸۰: ۱۷). به نظر او جامعه یک بنگاه اقتصادی یا خدماتی نیست که به صورت عقلانی تمشیت شده باشد (تورن، ۱۳۸۰: ۳۳۱). لذا مدرنیته را نباید به تفوق عقلانیت محدود کرد. از سوی دیگر تفسیر مدرنیته مبتنی بر عقل‌گرایی صرف به نفعی «سوژه»^۱ می‌انجامد در حالی که به نظر تورن در برقراری این تناسب و تعریف مدرنیته می‌بایست همزمان به عقل و سوژه توجه داشت و مدرنیته را باید بعنوان «رابطه‌ای مملو از تنش میان عقل و سوژه، عقلانی کردن و به سوژه اهمیت دادن، روح رنسانس و روح اصلاح دینی، علم و آزادی» دانست

۱. مفهوم سوژه در اندیشه آلن تورن جایگاه متمایز و برجسته‌ای دارد. تورن فردی که اراده می‌کند کنشگر موجودیت خویش باشد را سوژه می‌نامد. برای مطالعه بیشتر در این زمینه رجوع شود به (ناصر خاکی، ۱۳۹۹: ۶۳-۶۶).

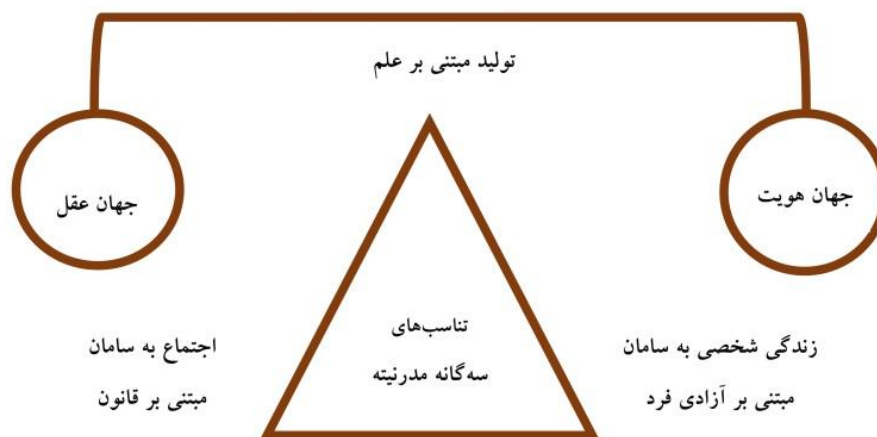
(تورن، ۱۳۸۰: ۲۳). به نظر او مدرنیته به معنای گسست امر معنوی از امر اجتماعی نیست و نمی‌توان امر اجتماعی را فقط بر پایه عقلانیت ابزاری تبیین کرد (تورن، ۱۳۹۸: ۲۳۳). تورن معتقد به سه دوره مدرنیته متقدم (کلاسیک)، میانی و متأخر است (تورن، ۱۳۹۸: ۲۳۶-۲۰۰). به نظر او روایت کلاسیک تجدد که با غلبه عقل و طرد خاص‌گرایی شناخته می‌شود، به حدی از تاب و توان افتاده که دیگر برای دنیایی که در آن عرفان مذهبی و فناوری مدرن، علوم متقن و تبلیغات، قدرت فردی و سیاسی صنعتی شدن شتابدار با هم تصادم می‌کنند، هیچ اصل وحدت‌بخشی در چپته ندارد (تورن، ۱۳۸۰: ۳۳۲).

به نظر تورن در جهان مدرن در یک سو جهان عقل ابزاری (جهان اقتصاد، محاسبه و...) و در سوی دیگر جهان هویت‌ها و تعلقات وجود دارد و اعتقادات دینی به جهان هویت‌ها تعلق دارند (تورن، ۱۳۷۹: ۶). در این میان فاعل شناسایی یا سوژه پللی است که ارتباط میان این دو جهان را برقرار می‌کند. لذا مدرنیته جهانی است مرکب از عقل ابزاری، هویت‌ها و فاعل شناسایی. به نظر تورن فاعل شناسایی، سکولاریزاسیون خدا نیست بلکه یگانه اقدام ممکن برای آمیختن ویژگی فرهنگی با کلیت اقتصاد مدرن و بعبارتی دیگر چیزی است که اجازه می‌دهد تا از طریق تاکید بر فردیت و خاص بودن، جهان هویت‌ها و جهان ابزارها درهم آمیخته شوند. همچنین فاعل شناسایی در یک کشمکش مستمر میان عقل ابزاری و هویت قرار دارد و گاه توسط جهان ابزارمند جذب می‌شود و گاه توسط جهان هویت‌ها. لذا ما شاهد شکل‌گیری جامعه ابزارمند و جامعه هویت‌مند هستیم (تورن، ۱۳۷۹: ۷). به نظر او سوژه یا فاعل شناسا جهان خود را خلق می‌کند چرا که «من با پیش‌بینی‌پذیری و استمرار، و نه با همسازی با محیط، جهان مشخصی را شکل می‌دهم» (تورن، ۱۳۷۹: ۸). بر این اساس می‌توان گفت که مدرنیته به دنبال جهانی است که از ترکیب جهان هویت و جهان عقل ابزاری توسط فاعل شناسا (به مثابه فرد یا جامعه‌ای که به دنبال خودتولیدی و خودتحقق‌بخشی است) خلق می‌شود (شکل ۲). لذا جهان مدرن نمی‌تواند یک جهان واحد باشد چرا که هر فرد و جامعه‌ای به دنبال خلق جهانی متناسب با هویت خود است. لذا می‌بایست بین مدرنیته که به دنبال خلق جهان است با مدرنیسم که جهان خلق شده توسط هویت غربی است تمایز قائل شد و ضمن پذیرش مدرنیته، قائل به شیوه‌های گوناگون مدرن شدن بود. در واقع ضمن قبول مدرنیته باید تکثر در شیوه‌های مدرنیزاسیون که ناظر به این مهم است که مردم جهان با توجه به تجارب تاریخی متفاوت

از طرق مختلف به ترکیب اصول و قواعد اصلی مدرنیته می‌پردازند را نیز پذیرفت (تورن، ۱۳۹۶: ۲۵۱).

به نظر تورن این اصول و قواعد اصلی مدرنیته عبارتند از «اعتقاد به اندیشه عقلانی و حقوق فردی». در اینجا سخن از قرارداد فرهنگ‌ها رو در روی هم نیست بلکه سخن از به رسمیت شناختن اعمال آزادانه مذاهب، ایدئولوژی‌ها و اندیشه‌ها است (تورن، ۱۳۹۶: ۲۵۱). اصل نخست در خردورزی و پذیرش جایگاه برجسته خرد انسانی به مثابه منبع شناخت تجلی می‌یابد و اصل دوم در پذیرش حقوق عام و بنیادین بشر. بر این اساس می‌توان گفت که در اندیشه تورن مدرنیته به دنبال خلق جهان است، جهانی که از ترکیب جهان هویت و جهان عقل ابزاری خلق می‌شود و در این میان فرد یا جامعه به منظور خودتولیدی، خودتحقق‌بخشی و یا خودمدیریتی نقش ترکیب‌کننده را ایفا می‌کند.

شکل ۲- مدرنیته از منظر آلن تورن
سوژه



پرسشی که در اینجا می‌توان مطرح کرد آن است که آیا انقلاب اسلامی نیز به دنبال خلق جهانی جدید است؟ اگر جواب آری است فرد معتقد به این انقلاب و جامعه برآمده

از این انقلاب، آیا به دنبال خود تحقق‌بخشی است یا خیر؟ آیا می‌توان مدرنیسم اسلامی و مدرنیزاسیون اسلامی را پذیرفت؟ انقلاب اسلامی چه نسبتی با اعتقاد به اندیشه عقلانی و حقوق فردی (بشر) بعنوان اصول مدرنیته دارد؟ عقل و تولیدات علمی مدرن چه رابطه‌ای با عقلی که انقلاب اسلامی بدان معتقد است و از آن می‌توان به عقل انسانی و اسلامی تعبیر کرد، دارد؟ چه رابطه‌ای میان حقوق فردی مدرن با حقوق فردی و کرامت انسانی که در انقلاب اسلامی مطرح است وجود دارد؟ پاسخ به این سوال‌ها نیازمند یک تحقیق مستقل است اما به اختصار می‌توان گفت که انقلاب اسلامی با توجه به جهت‌گیری‌های خاص خود به دنبال ترکیب خاص جهان‌هویت (بخصوص هویت دینی) و عقل ابزارمند و خلق جهانی جدید است و در این جهان جدید به قانون، حقوق فردی و تولیدات علمی توجه دارد لذا تناسب‌های سه‌گانه را که بنا بر تفسیر تورن در مدرنیته برقرار شده است را مورد توجه قرار داده است.

نکته حائز اهمیت دیگر آن است که در جهت‌گیری‌های انقلاب اسلامی تضاد بنیادینی بین استقرار اصول دینی (حکومت اسلامی)، قانون‌گرایی و تأمین حقوق فردی دیده نمی‌شود و لذا بین عقل‌گرایی، هویت‌گرایی و سوژه‌گرایی ارتباط برقرار شده است. علاوه بر این، انقلاب اسلامی نیز در چارچوب هویت خاص خود به دنبال خودتحقق‌بخشی افراد و تحقق شأن «خلیفه الهی» انسان است. به این ترتیب فی‌الجمله ضمن اذعان به «نقصان در مدرنیته» می‌توان گفت هر چند انقلاب اسلامی با مدرنیسم غربی تضاد داشته و در برخی از وجوه با مدرنیته تفاوت دارد با این وجود نمی‌توان آن را

۱. تضاد انقلاب اسلامی با «مدرنیسم غربی» در رویکرد سکولار مدرنیسم غربی که ناشی از تجربه تاریخی خاص تمدن غربی در مواجهه با مسیحیت و اقتدار کلیسا است و همچنین در مواجهه انقلاب اسلامی با استکبار، امپریالیسم، شبکه زرسالاران یا نظام سلطه جهانی که ناشی از مدرنیسم غربی است قابل مشاهده است. این تضاد، مبتنی بر تفاوت اسلام و مسیحیت در مواجهه با دین بعنوان یک امر فردی، جماعتی و یا اجتماعی و همچنین در نسبت عقل و دین (نقل) در آنها قابل فهم است. از آنجا که در اسلام (به خصوص در قرائت انقلاب اسلامی)، خداوند انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است (اصل پنجاه و ششم قانون اساسی) لذا به نظر می‌رسد دینی که مدرنیسم غربی او را از صدرنشینی جامعه خلع کرده با اسلام متفاوت است. بر همین اساس سوژه مسلمان با سوژه مسیحی نیز دارای تفاوت است. این تفاوت‌ها باعث تضاد اسلام و مدرنیسم غربی می‌شود در عین حالی که مانعی برای نوعی خوانش اسلامی از مدرنیته (که می‌تواند برطرف کننده نقصان‌های مدرنیته باشد) و یا شیوه مدرنیزاسیون اسلامی نیست.

در تضاد تام با مدرنیته دانست بلکه در برخی وجوه میان انقلاب اسلامی و مدرنیته زمینه‌های مشترکی نیز وجود دارد و این زمینه‌های مشترک امکان تعامل و هم‌افزایی با جنبش‌های اجتماعی جهانی به منظور ابراز هویت خاص انقلاب اسلامی، یارگیری، تجربه‌اندوزی و تبادل نظر با آنها را فراهم می‌سازد. لذا می‌توان برای انقلاب اسلامی بعنوان یک راهبرد (و نه چشم‌انداز) مدرنیزاسیون اسلامی یا انسانی - اسلامی مبتنی بر جهت‌گیری‌های انقلاب اسلامی را در نظر گرفت. بر این اساس هویت انقلاب اسلامی در تضاد با هویت جنبش‌های مدرنی همچون جنبش محیط زیست که در عرصه جهانی فعال هستند نخواهد بود.

نکته دیگری که در اینجا می‌بایست بدان توجه شود آن است که آیا هویت فطری (اسلامی - انسانی) انقلاب ایران در درون خود تناسبی با دفاع از محیط زیست دارد یا خیر؟ برای پاسخ بدین پرسش باید به قانون اساسی منبعث از انقلاب و همچنین مبانی اسلامی توجه نمود. در اصل پنجاهم قانون اساسی آمده است که «در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است». این امر به صراحت هماهنگی انقلاب اسلامی با جنبش‌های محیط زیستی را بیان می‌کند.

از سوی دیگر به نظر می‌رسد این موضوع که حفظ محیط زیست همسو با هویت انسانی - اسلامی است چندان نیاز به استدلال ندارد و شاید هم بتوان گفت که انسان‌ها فطرتاً دوستدار محیط زیست هستند. با این وجود برای بیان ارتباط حفاظت از محیط زیست و هویت اسلامی، توجه به موضوع «الهیات محیط زیست»، «اخلاق زیست محیطی»، «فقه محیط زیستی»^۱ و نظریه «خودبوم شناسی»^۲ مفید است.

از منظر اسلامی جهان آفرینش و پدیده‌های طبیعت، آیات الهی بوده و مقدس هستند زیرا متعلق اراده آفرینشی حق تعالی است. طبیعت صرفاً برای استفاده و بهره‌برداری ما خلق

۱. برای مطالعه پیرامون فقه محیط زیست رجوع شود به (فهیمی و مشهدی، ۱۳۹۰: ۳۱۳-۳۲۶؛ افتخار جهرمی و رضایی، ۱۳۹۴: ۳-۳۲).

نشده است بلکه فی‌نفسه مجالای تجلی قدرت، لطف و برکت حق تعالی است که در شریان عالم جاری است. مخلوقات عالم طبیعت نه تنها با انسان‌ها ارتباط دارند و از طریق آنها با حق تعالی در پیوند هستند بلکه به‌طور مستقیم با خداوند نیز مرتبط‌اند و دلالتی آخرت‌شناسانه نیز دارند. اسلام قاطعانه در برابر این نظر می‌ایستد که همه حقوق از آن‌ها انسان‌هاست و دیگر مخلوقات حقی ندارند مگر اینکه ما به آنها حق بدهیم (نصر، ۱۳۹۶). با این وجود در این جهان، انسان بعنوان اشرف مخلوقات دارای شأن «خلیفه‌الهی»^۱ بوده و از کرامت ویژه‌ای برخوردار است. بر این اساس در اندیشه اسلامی:

«مهم‌ترین عنصر خلافت الهی بعد از فراگیری معارف دینی، آباد ساختن زمین و نجات آن از هرگونه تباهی و تیرگی است. مقصود از زمین، گستره زیست بشر است که از عمق دریا تا اوج سپهر و قله آسمان را در برمی‌گیرد. بنابراین، فرهنگ زیست‌محیطی با مقام برین جانشینی خدا آمیخته است... منظور از عمارت زمین، تأمین اصول زیست‌محیطی برای حیات انسانی است» (جوادی آملی، ۱۳۸۷).

در نظریه خودبوم‌شناسی که از نظریات اسلامی مطرح در زمینه محیط زیست است، اخلاق زیست‌محیطی اسلامی بر مبنای خدامحوری و خداشناسی استوار شده و بعنوان رهیافتی برای حفاظت از محیط زیست مطرح شده است. «خودبوم‌شناسی» در اخلاق زیست‌محیطی بر مبنای خودشناسی بنا می‌گردد زیرا «کلید بهبود وضعیت اخلاقی انسان، شناخت ماهیت نفس خویش است. به این ترتیب انسان با شناخت نفس خویش، خود را در برابر بازدارنده‌های درونی خویش خواهد دید که به وی اجازه انجام هر رفتاری را نمی‌دهند. این موضوع درباره ارتباط انسان با محیط زیست طبیعی نیز صادق است. زیرا انسان بدون شناخت ماهیت واقعی نفس خود نمی‌تواند توجیهی برای اخلاق و بهبود وضعیت اخلاقی خویش در تعامل با محیط زیست دارا باشد. در خودبوم‌شناسی، تلاش برای حفاظت از محیط زیست تنها در صورتی موفقیت‌آمیز است که انسان با خود

۱. «نظریه استخلاف» در نگاه به محیط زیست حائز اهمیت است. این نظریه توسط محمدباقر صدر برجسته شده است. ایشان با استناد به آیه «و اذ قال ربک للملائکه انی جاعل فی الارض خلیفه» معتقدند که بنیاد جامعه بر روی زمین مبتنی بر سه عنصر اصلی است. این عناصر عبارتند از: ۱- انسان؛ ۲- زمین یا به طور کلی طبیعت؛ ۳- پیوند معنوی که انسان را با زمین و با طبیعت از یک سو و انسان را با انسان‌های دیگر به عنوان برادر از دیگر سوی مرتبط می‌سازد. صدر معتقد است که «این پیوند معنوی را قرآن «استخلاف» می‌نامد» (صدر، ۱۳۶۹: ۱۶۷-۱۶۸).

غیرواقعی مبارزه کند و خود واقعی خویش را پرورش دهد... به این ترتیب دو معیار اخلاق زیست‌محیطی اسلامی یعنی خدامحوری و خداشناسی در رفتار با طبیعت محقق می‌شوند» (سروستانی، شاه‌ولی، محقق داماد، ۱۳۸۶: ۶۷). می‌توان گفت که صیانت از نفس، تعامل مناسب با محیط زیست طبیعی و در نتیجه حفاظت از آن را به دنبال خواهد داشت زیرا کسی که با خودشناسی و صیانت از نفس واقعی به خداشناسی رسیده باشد در رفتار خویش با سایر مخلوقات نیز از راهنمایی‌های نفس روحانی که ودیعه الهی است بهره می‌گیرد (سروستانی، شاه‌ولی، محقق داماد، ۱۳۸۶: ۶۸).

در بیان نسبت‌ها علاوه بر وجوه تشابه می‌بایست به تفاوت‌ها نیز توجه نمود برای توجه به تفاوت دفاع از محیط زیست از منظر اسلامی و دفاع از محیط زیست از منظر مدرنیسم توجه به جدول زیر مفید است.

جدول ۲- مقایسه مبانی و هویت دفاع از محیط زیست از منظر هویت مدرن و اسلامی

کانون ارزش ذاتی	یگانگی بین انسان و طبیعت	مسئولیت‌پذیری نسبت به محیط زیست	ضمانت اجرایی	فراگیری	هویت
انسان محوری	انسان و طبیعت دو جوهره مجزا هستند	مسئولیت نسبت به طبیعت ناشی از مسئولیت نسبت به انسانها است	تا حدی که منافع انسان به خطر بی‌افتد	محدود به انسان	مدرن
زیست بوم محوری	انسان با زیست بوم مرتبط است	انسان نسبت به کل زیست بوم مسئول است	تا حدی که ثبات و انسجام زیست‌بوم به خطر بی‌افتد	محدود به اجزای تشکیل‌دهنده زیست‌بوم	مدرن
خدامحوری	انسان با تمام مخلوقات خداوند مرتبط است	انسان نسبت به خداوند و مخلوقات او مسئولیت دارد	تا حدی که مخلوقات خداوند به خطر بی‌افتد	نامتناهی	اسلامی

منبع: (سروستانی، شاه‌ولی، محقق داماد، ۱۳۸۶: ۶۸)

با توجه به مبانی نظری طرح شده و اصل پنجم قانون اساسی می‌توان گفت انقلاب اسلامی بعنوان انقلابی با هویتی اسلامی- انسانی در نگاه به محیط زیست دارای هویتی خاص و متمایز از جنبش‌های محیط زیستی مدرن است و منطبق با جهت‌گیری‌های

فرهنگی خود دفاع از محیط زیست را معنادهی می‌کند (دفاع از محیط زیست در چارچوب ارزش‌های انسانی-اسلامی) و به دنبال ابراز این هویت خاص خود در عرصه جهانی است.

در اینجا نکته‌ای که از منظر متفکران انقلاب اسلامی می‌توان بیان داشت پیرامون خاستگاه چالش‌های زیست‌محیطی است. از این منظر بحران محیط زیست علاوه بر آنکه ناشی از طغیان و خودبینی انسان در مقابل طبیعت است، به نوعی امتداد «نابرابری‌های اجتماعی» و حضور «اقلیتی مرفه و ثروتمند» در جامعه است که منجر به بروز شیوه‌های ناصحیح و غیرعادلانه در تعامل با طبیعت و آلوده ساختن محیط زیست شده‌اند (نامخواه، ۱۳۹۶).

نکته دیگری که در اینجا می‌باید بدان توجه کرد وجوه استکبارستیزی و ضد سرمایه‌داری انقلاب اسلامی در عرصه جهانی است. جنبش جهانی محیط زیست خود را در مبارزه با توسعه نافی حقوق محیط زیست و بعبارتی توسعه کنترل نشده و مخرب محیط زیست و نهادها و قوانینی که این مسیر را هموار می‌کند می‌دانند. باید توجه داشت که این توسعه همان توسعه‌ای است که توسط سرمایه‌داری جهانی و نظام سلطه جهانی مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. چرا که مناسبات سرمایه‌داری مکانیسمی را خلق می‌کند که سرمایه‌دار معترف به ضرورت حفظ محیط زیست نمی‌تواند از تلاش برای کسب سود حداکثر که در بسیاری از موارد با تخریب محیط زیست همراه است دست بردارد.^۱ با این وجود این نکته حائز اهمیت است که در وضعیت کنونی هرچند جنبش‌های محیط زیست در برابر سیاست‌ها، قواعد و عملکردهای مخرب محیط زیست به مقاومت دست می‌زنند اما بعضاً تعارض آشکاری با نظام سرمایه‌داری بعنوان منشا اصلی تخریب محیط زیست در عرصه جهانی از خود نشان نمی‌دهند و حتی بعضاً توسط نظام

۱. برای مطالعه بیشتر رجوع شود: کلاین، ناومی، (۱۳۹۶)، آخرین فرصت تغییر (سرمایه‌داری در تقابل با شرایط اقلیمی)، ترجمه مجید امینی، تهران: لاهیتا و بارنز، جک، واترز آلیس و کلارک، استیو، (۱۳۹۰)، سرمایه‌داری و تخریب محیط زیست، ترجمه حامد صدیقی، نشر طلایه پرسو و همچنین:

Klein, Naomi, (2019), *On Fire: The (Burning) Case for a Green New Deal* Naomi Klein, Publisher: Simon & Schuster.

سرمایه‌داری مورد بهره‌برداری نیز قرار گرفته‌اند. لذا به نظر می‌رسد روند افزایش همسویی و هم‌افزایی جنبش‌های محیط زیستی مبتنی بر هویت انقلاب اسلامی با جنبش‌های محیط زیستی جهانی نیازمند گذشت زمان و فعال‌شدن جنبش‌های محیط زیستی با غلظت ضد سرمایه‌داری بیشتر و گسترش و فعال‌تر شدن طرفداران عدالت محیط زیستی است. با توجه به کدگذاری و مقوله‌بندی‌های صورت گرفته و مباحثی که تاکنون مطرح گردید می‌توان تشابهات و تفاوت‌های انقلاب اسلامی و جنبش‌های محیط زیستی جهانی از منظر مولفه هویت را در مقوله‌ای کلی دسته‌بندی کرد و به صورت جدول زیر ارائه نمود.

جدول ۳- مقایسه هویت جنبش محیط زیست و انقلاب اسلامی بر اساس مقوله هویت کلان

مقوله کلان هویتی	جنبش - انقلاب
انسانی - اسلامی (فطری)	انقلاب اسلامی
مدافعان مدرن محیط زیست	جنبش محیط زیست

با توجه به جدول فوق (۳) می‌توان بیان داشت که انسان‌محوری یا زیست‌بوم محوری بعنوان کانون ارزشی جنبش‌های محیط زیستی مدرن (ارائه شده در جدول ۲) ناشی از هویت مدرن جنبش‌های محیط زیستی جهانی است که در انقلاب اسلامی، این کانون جای خود را به مقوله فطری بودن داده است لذا تفاوت و تشابه میان آنها را می‌بایست در نسبت مدرنیته و فطرت جستجو کرد.

ب- نسبت جنبش‌های محیط زیستی و انقلاب اسلامی در عرصه کنش جهانی

علاوه بر مباحث فوق توجه به حضور جهانی کنشگران مسلمان در عرصه جنبش‌های محیط زیستی نیز حائز اهمیت است. انعقاد «پیمان رامسر»^۱ نمادی برای حضور ایران در عرصه حمایت از محیط زیست در عرصه جهانی است. اما پس از انقلاب روند تشکیل نهادها و انجمن‌های غیردولتی محیط زیستی متوقف شد تا اینکه در سال ۱۳۷۱ و پس از

۱. در زمستان سال ۱۳۴۹ مصادف با دوم فوریه ۱۹۷۱ کنوانسیون حفاظت از تالاب‌های مهم بین‌المللی و زیستگاه پرندگان آبی در رامسر تشکیل گردید که از آن پس به نام «کنوانسیون رامسر» شناخته می‌شود.

«کنفرانس ریو»، تشکل‌های مردم‌نهاد محیط زیستی در ایران تشکیل شدند و اکنون در حدود ۸۹۰ تشکل مردم‌نهاد در ایران در زمینه محیط زیست فعالیت می‌کنند. با این وجود تاکنون در ایران جنبش محیط زیستی در معنای دقیق کلمه و مبتنی بر مولفه‌های جنبش‌ساز و شیوه‌های کنش جنبشی (بویژه مبتنی بر هویت انقلاب اسلامی) که قابلیت حضور در عرصه جهانی را نیز داشته باشد، شکل نگرفته است لذا در این عرصه با یک خلأ جدی مواجه هستیم. بنابراین در عرصه مناسبات و کنش جهانی، انقلاب اسلامی و عبارتی دیگر کنشگران معتقد به انقلاب اسلامی شاهد مناسبات و تعاملات با جنبش‌های محیط زیستی جهانی نبوده‌ایم.

با این وجود اکنون کنشگران و جنبش‌هایی با رویکرد یا هویتی اسلامی برای حمایت و حفاظت از محیط زیست شکل گرفته‌اند که از میان آنها می‌توان به «مسلمانان سبز»^۱، «اکو اسلام»^۲ و «جنبش خلیفه»^۳ اشاره کرد. مسلمانان سبز به نماینده آوازه‌دار و قابل مشاهده از کنش‌های اسلامی سازگار با زمین تبدیل شده‌اند. آنها از طریق برنامه‌های اجتماعی و مشاوره برای رهبران مذهبی، پیشگام در شکل دادن بحث پیرامون مسائل زیست‌محیطی در جامعه مسلمان آمریکا هستند (Faruqi, 2017). این کنشگران به دنبال افزایش آگاهی مسلمانان از مسائل جهانی زیست‌محیطی و مباحثه پیرامون اقدامات منحصر به فردی که مسلمانان برای مبارزه با چالش‌های محیط زیستی می‌توانند انجام دهند، بوده‌اند. شعار این کنشگران آن است که: «دین ما سبز است!» مسلمانان سبز مأموریت خود را آموزش، کنش و بازنمایشی پیرامون محیط زیست مبتنی بر معنویت می‌دانند. همچنین این کنشگران چشم‌انداز خود را حضور مسلمانانی می‌دانند که مبتنی بر روح محیط زیست اسلامی زندگی می‌کنند و در تلاش برای ارتباط با طبیعت و رفاقت و معاونت با محیط زیست هستند.^۴

طرفداران اکو اسلام نیز معتقدند که سیاره زمین در حال نابودی سریع و پایدار اکوسیستم‌ها است. این امر باعث تغییر اوضاع، سطح غیرقابل قبولی از آلودگی، افزایش خسارت به سکونتگاه‌های بشری و در نهایت تهدید برای اختلال در جمعیت

1. Green Muslims
2. Ecoislam
3. Khaleafa
4. <https://www.greenmuslims.org/>

در جهان می‌شود. طرفداران اکو اسلام وظیفه خود را توسعه مضامین زیست‌محیطی بر اساس آموزه‌های اسلامی قرار داده و به دنبال آن هستند که اخلاق زیست‌محیطی اسلامی را به کنش تبدیل کنند. این کنشگران سازمانی با عنوان «IFEES»^۱ راه‌اندازی کرده‌اند. شبکه‌های IFEES در سراسر جهان با سازمان‌های غیردولتی، سازمان‌های بین‌المللی، نهادهای دانشگاهی و سازمان‌های فرهنگی که به حفظ زمین با عنوان زیستگاه سالم برای نسل‌های آینده بشر و نیز موجودات زنده دیگر نگاه می‌کنند، همکاری می‌نمایند.^۲

جنبش خلیفه نیز با شعار «بیدار کردن مسئولیت مباشرت (خلافت) ما از طریق کنش» خود را صدای جنبش محیط زیستی مسلمانان در کانادا می‌داند که به دنبال افزایش آگاهی پیرامون محیط زیست از منظر اسلامی است.^۳

در این بخش فی الجمله باید گفت که در کنش جهانی محیط زیستی از سوی کنشگران معتقد به انقلاب اسلامی دارای یک خلأ هستیم. در این زمینه به نظر می‌رسد که باید زمینه کنشگری فعالان محیط زیستی در عرصه داخلی فراهم شود و زمینه تعامل آنها با کنشگران مسلمان در سایر کشورها نیز فراهم گردد تا بتدریج با هم‌افزایی بین آنها توان کنشگری فعالان مسلمان و معتقدان به انقلاب اسلامی در عرصه جهانی محیط زیست فراهم گردد.

نتیجه‌گیری

انقلاب اسلامی با توجه به جهت‌گیری‌های فرهنگی خاص خود دارای هویتی خاص در عرصه جهانی است. انقلاب ایران دارای هویتی انسانی-اسلامی و بعبارتی هویتی مبتنی بر فطرت است و از آنجا که فطریات میان تمام انسان‌ها مشترک هستند از این زمینه مشترک می‌توان بعنوان زمینه مشترک جهانی برای پیگیری اهداف و ایجاد جنبش‌های نوین اجتماعی در عرصه جهانی استفاده کرد. جنبش محیط زیست بعنوان مدافعان مدرن محیط زیست، هویت خود را در یک عرصه خاص تعریف نموده است در حالی که هویت انقلاب اسلامی معطوف به یک سطح کلان و بعنوان یک جریان

1. The Islamic Foundation for Ecology And Environmental Sciences

2. <http://www.ifees.org.uk>

3. <http://www.khaleafa.com>

انسانی - اسلامی قابل طرح است. لذا از نظر سطح، این دو قابل مقایسه با یکدیگر نیستند. با این وجود انقلاب اسلامی از نظر هویتی نه تنها تضادی با جنبش‌ها و مدافعان مدرن محیط زیست ندارد بلکه همسو با آنها است هر چند این دفاع مبتنی بر هویتی اسلامی شکل می‌گیرد. از سویی دیگر مبتنی بر جهت‌گیری‌های خاص انقلاب اسلامی می‌توان شکل‌گیری جنبش‌های محیط زیستی خاصی را متصور شد، این جنبش‌ها می‌توانند با هویت انسانی - اسلامی خود به دفاع از محیط زیست پرداخته و با حضور در عرصه جهانی به ابراز این هویت خاص بپردازند. به نظر می‌رسد ابراز این هویت زمینه‌ای برای انتقال آرمان‌های انقلاب اسلامی به عرصه جهانی است. با این حال تا آن زمان به نظر می‌رسد که کنشگران و جنبش‌های معتقد به هویت انقلاب اسلامی می‌بایست به هم‌افزایی با جنبش‌های جهانی همسو با خود بپردازند و در یک ارتباط جهانی با جنبش‌هایی همچون جنبش محیط زیست به ابراز هویت خود و تشکیل مقاومتی جهانی علیه نگرش‌ها و عوامل مخرب محیط زیست بپردازند و با حضور در نشست‌ها و مجامع جهانی مدافعان محیط زیست از آن بعنوان فرصتی برای شنیده شدن صدای خود، شناساندن خود و همکاری با جنبش‌های همسو استفاده کنند. روند این همسویی و هم‌افزایی نیازمند گذشت زمان و فعال‌شدن جنبش‌های محیط زیستی با غلظت ضد سرمایه‌داری بیشتر است. با این وجود به نظر می‌رسد توجه و همسویی با جنبش‌های محیط زیستی بعنوان منادیان اصلی مقاومت در برابر سیاست‌ها و ... مخرب محیط زیستی برای حفظ و برجسته‌سازی مقاومت جهانی علیه سرمایه‌داری و تعمیق فرهنگ حفظ و صیانت از محیط زیست در عرصه جهانی مفید و مطلوب باشد. از لوازم چنین امری رفع موانع پیش‌روی شکل‌گیری و فعالیت جنبش‌های محیط زیستی در ایران و حتی بسترسازی برای فعالیت‌های آنها در عرصه جهانی است.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

ORCID

Hasan Naserkhaki



<https://orcid.org/0000-0001-7021-8484>

Ali Morshedizad



<https://orcid.org/0000-0002-1915-235X>

منابع

- افتخار جهرمی، گودرز، رضائی، علی رضا، (۱۳۹۴)، «همگرایی حقوق محیط زیست و حقوق بشر؛ با نگاهی به فقه اسلامی»، فصلنامه حقوق اسلام و غرب، سال سوم، شماره اول.
- امین زاده، بهناز، (۱۳۸۱)، «جهان بینی دینی و محیط زیست: درآمدی بر نگرش اسلام به طبیعت»، محیط شناسی، سال ۲۸، شماره ۳۰.
- بارنز، جک، واتزر آلیس و کلارک، استیو، (۱۳۹۰)، سرمایه داری و تخریب محیط زیست، ترجمه حامد صدیقی، تهران: نشر طلایه پرسو.
- پیرعباسی، یحیی، رهامی، روح اله، بیاتی، محمدحسین، (۱۳۹۸)، تحول سیاست امنیتی جمهوری اسلامی ایران در حقوق حوزه محیط زیست، رساله دکتری، دانشگاه عدالت.
- تورن، آلن، (۱۳۷۹)، «از مدرنیته نخستین تا مدرنیته متاخر (گفتگو با آلن تورن)»، کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره‌های ۴۱ و ۴۲.
- _____، (۱۳۸۰)، نقد مدرنیته، ترجمه سیدمرتضی مردیها، تهران: نشر گام نو.
- _____، (۱۳۸۶)، مقدمه‌ای بر مطالعه جنبش‌های اجتماعی، ترجمه علی حاجیلی، در کتاب فهم و مطالعه جنبش‌های اجتماعی جدید، تهران: انتشارات جامعه و فرهنگ.
- _____، (۱۳۹۶)، پارادایم جدید، ترجمه سلمان صادقی زاده، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- _____، (۱۳۹۸)، برابری و تفاوت: آیا می‌توانیم با هم زندگی کنیم؟، ترجمه سلمان صادقی زاده، تهران: نشر ثالث.
- جمالی، حمیدرضا، (۱۳۸۹)، «محیط زیست بین‌المللی و میراث مشترک بشریت»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۴.
- جمشیدی، مهدی، (۱۳۹۰)، بنیادهای اجتماعی وقوع انقلاب اسلامی در نظریه علامه مرتضی مطهری، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- جواد آملی، عبدالله، (۱۳۸۸)، جامعه در قرآن، چاپ دوم، قم: اسراء.
- _____، (۱۳۸۷)، «اسلام و محیط زیست»، مجله الکترونیکی اسراء، شماره ۲، قابل دسترسی در: ensani.ir/fa/article/29448.

- دلاپورتا، دوناتلا، دیانی، ماریو، (۱۳۹۰)، *مقدمه‌ای بر جنبش‌های اجتماعی*، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: نشر کویر.
- رودگر، محمدجواد، (۱۳۸۴)، *فیلسوف فطرت*، قم: انتشارات وثوق.
- ساتن، فیلیپ دبلیو، (۱۳۹۲)، *درآمدی بر جامعه‌شناسی محیط زیست*، ترجمه صادق صالحی، تهران: انتشارات سمت.
- سیف‌زاده، سیدحسین، (۱۳۷۸)، *اصول روابط بین‌الملل*، تهران: نشر دادگستر.
- صالحی، صادق، حمایت‌خواه جهرمی، مجتبی، (۱۳۹۳)، «مقایسه تحلیلی ارزش‌های زیست‌محیطی جهان اسلام و غرب؛ تحلیل ثانویه داده‌های پیمایش ارزش‌های جهان (WVS)»، *فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، شماره ۳.
- صدر، سیدمحمدباقر، (۱۳۶۹)، *سنت‌های اجتماعی و فلسفه تاریخ در مکتب قرآن*، ترجمه حسین منوچهری، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
- طاهرپور، محمدشریف، جاویدی، طاهره، باقری، خسرو، نقی‌زاده، حسن، (۱۳۹۵)، «مبانی، اصول و روش‌های تربیت شهروند زیست‌محیطی از دیدگاه اسلام»، *فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*، شماره ۳۰.
- عابدی سروستانی، احمد، شاه ولی، منصور، محقق داماد، سیدمصطفی، (۱۳۸۶)، «ماهیت و دیدگاه‌های اخلاق زیست‌محیطی با تأکید بر دیدگاه اسلامی»، *فصلنامه اخلاق در علم و فناوری*، دوره ۲، شماره‌های ۱ و ۲.
- عبادی، اعظم، فاضلی، محمد، حاضری، محمدعلی، عبادی، (۱۳۹۷)، *سیاست انقلاب و محیط زیست*، رساله دکتری، پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی.
- قدیر، محسن، (۱۳۹۴)، «حق بر محیط زیست از منظر حقوق بشر بین‌المللی و اسلام»، *فصلنامه حقوق اسلام و غرب*، سال دوم، شماره ۲.
- فهیمی، عزیزالله، مشهدی، علی، (۱۳۹۰)، «فقه شیعه و تحول در مبانی مسئولیت مدنی زیست‌محیطی»، *فصلنامه حقوق*، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۴۱، شماره ۱.
- کاستلز، مانوئل، (۱۳۸۹)، *عصر اطلاعات (۲): اقتصاد، جامعه و فرهنگ: قدرت هویت*، ترجمه احد علیقلیان و افشین خاکباز، تهران: نشر طرح نو.
- کاستلز، مانوئل، اینس، مارتین، (۱۳۸۴)، *گفتگوهای با مانوئل کاستلز*، ترجمه حسن چاوشیان و لیلیا جوافشانی، تهران: نشر نی.

- کلاین، ناٹومی، (۱۳۹۶)، *آخرین فرصت تغییر (سرمایه‌داری در تقابل با شرایط اقلیمی)*، ترجمه مجید امینی، تهران: لاهیتا.
- کوهن، جین و دیگران، (۱۳۸۶)، *فهم و مطالعه جنبش‌های اجتماعی جدید*، ترجمه علی حاجلی، تهران: انتشارات جامعه فرهنگی.
- لسانی، سیدبهبزاد، مشهدی، علی، حبیب‌نژاد، سیداحمد، (۱۳۹۵)، *نسبت محیط زیست، دولت و شهروندی، رویکرد تقنینی نظام جمهوری اسلامی ایران*، رساله دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم.
- محقق داماد، سیدمصطفی، (۱۳۸۰)، «الهیات محیط زیست»، *نامه فرهنگستان علوم*، سال ۶، شماره ۱۷.
- مشیرزاده، حمیرا، (۱۳۸۱)، *درآمدی نظری بر جنبش‌های اجتماعی*، تهران: پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی.
- مشیرزاده، حمیرا، هاشمی، سیده‌فاطمه، (۱۳۹۲)، «نقش جنبش‌های فراملی در تدبیر جهانی امور زیست‌محیطی»، *فصلنامه سیاست*، دوره ۴۳، شماره ۱.
- مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۸۰)، *آموزش عقاید*، جلد پنجم، تهران: بین‌الملل.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۷۴)، *فلسفه تاریخ*، جلد ۴، تهران: انتشارات صدرا.
- _____، (۱۳۸۷) (ب)، *مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی: جامعه و تاریخ*، جلد پنجم، تهران: انتشارات صدرا.
- _____، (۱۳۸۷) (الف)، *آینده انقلاب اسلامی ایران*، تهران: صدرا.
- ناصرخاکی، حسن، (۱۳۹۹)، رساله دکتری با عنوان: تحلیل مناسبات جنبش‌های نوین اجتماعی و انقلاب اسلامی در عرصه جهانی، دانشگاه شاهد.
- نامخواه، مجتبی، (۱۳۹۶)، «حق محیط زیست، آگاهی و قضاوت‌های مردم»، قابل دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/others-note?id=29129>.
- نقوی، سیدحسین، (۱۳۸۶)، «جنبش‌های اجتماعی جدید در عصر جهانی شدن و تاثیر آن بر توسعه سیاسی در ایران»، *دانشنامه حقوق و سیاست*، شماره ۷.
- نصر، سیدحسین، (۱۳۸۶)، *دین و نظم طبیعت*، ترجمه انشاءالله رحمتی، تهران: نشر نی.
- نصر، سیدحسین، (۱۳۹۶)، «اسلام، جهان اسلامی معاصر و بحران محیط زیست»، ترجمه علی رضایت، *روزنامه ایران*، ۳ مرداد ۱۳۹۶.
- یعقوبی، ابوالقاسم، (۱۳۸۰)، «اسلام و محیط زیست»، *فصلنامه حوزه*، شماره‌های ۱۰۵ و ۱۰۶.

References

- Abedi Sarvestani, Ahmad & Shah Vali, Mansoor & Mohaghegh Damad, Seyed Mostafa, (2007), "The Nature and Views of Environmental Ethics with Emphasis on the Islamic View", *The Journal of Ethics in Sciences and Technologh*, No.1-2. [In Persian]
- Barnes, Jack, Waters, Mery-Alice Waters, Clark, Steve, (2008), "The Stewardship of Nature Also Falls to the Working Class in Defense of Land and Labor", *New International*, No. 14.
- Bishop, Steve, (1991), "Green Theolgy and Deep Ecology: New age or New Creation?", *Themelios*, 16(3), 8-14, http://theologicalstudies.org.uk/pdf/ecology_bishop.pdf.
- Castells, Manuel, (2010), *The Power of Identity, The Information Age: Economy, Society and Culture* Vol. II, Translated by: Aligholian and Khabaz, Tehran: Tarhe no Press.
- Castells, Manuel & Martin Innes, (2005), *Interview with Manuel Castells*, Translated by: Hasan Chavoshian & Leyla Joafshani, Tehran: Nashre Ney.
- Castells, Manuel, (2012), *Social Movements in the Internet Age- Networks of Outrage and Hope*, Chichester, UK: Wiley.
- Cohen, Jean L, (1985), "Strategy or Identity: New Theoretical Paradigms and Contemporary Social Movements", *Social Research*, Vol. 52, No. 4, Social Movements (WINTER 1985), pp. 663-716.
- Cohen, Robert & Rai, Shirin M, (2000), *Global Social Movements*, London and New Brunswick: Athlone Press.
- Della Porta, Donatella & Diani, Mario, (2006), *Social Movements (An Introduction)*, Secend Edition, Oxford: Blackwell Pubplishing.
- Doyle, Timothy, (2005), *Environmental Movements in Majority Worlds a Global Perspective*, New Brunswick, New Jersey, and London: Rutgers University Press.

- Ebadi, Azam & Fazeli, Mohammad & Hazeri, Mohammad Ali, (2018), *The Politics of Revolution and the Environment*, Tehran: Imam Khomeini and Islamic Revolution Research Institute. [In Persian]
- Eftekhari Jahromi, Goudarzi & Rezayei, Alireza, (2016), "The Convergence of Environmental Law and Human Rights; With an Attitude to Islamic Law", *Comparative Studies on Islamic and Western Law*, Volume 3, Issue 1 - Serial Number 7, Pages 1-32. [In Persian]
- Fahimi, Azizollah & Mashhadi, Ali (2012), "SHI'AH Jurisprudence and Evolution in the Fundamentals of Environmental Civil Liability", *Law and Political Science*, Volume 41, Issue 1. [In Persian]
- Faruqi, Saadia, (2017), *These Muslim Groups are Caring for the Environment as Part of Their Faith*, Available at <https://wearyourvoicemag.com/entertainment-culture/muslim-groups-caring-environment-part-faith>, Foei ND, our Vision and Mission. Available at <http://www.foei.org/about-foei/mision-and-vision>.
- Ghadir, Mohsen, (2015), "Right to Healthy Environment from the Perspective of International Human and Islamic Law", *Islamic and Western Law*, Volume. 2, Issue. 2 - Serial Number 4. [In Persian]
- Greenpeace, (2019), <https://www.greenpeace.org/international/explore/about>.
- <http://www.ifees.org.uk>.
- <http://www.khaleafa.com>.
- <https://www.greenmuslims.org>.
- Jamali, Hmaidreza, (2009), "The International Environment and Common Heritage of Mankind", *Political and International Research Quarterly*, Volume 4, Issue 1 - Serial Number 4. Pages 119-149. [In Persian]
- Jamshidi, Mehdi, (2012), *Bonyadhaye Ejtemaie Voghooe Enghelabe Islami Dar nazariyeh Alameh Motahari*, Tehran: Imam Sadegh University Press. [In Persian]

- Javadi Amoli, Abdollah, (2008), *Islam and Environment*, Available at: ensani.ir/fa/article/29448. [In Persian]
- Javadi Amoli, Abdollah, (2009), *Society in the Quran*, Qom: Esra Press. [In Persian]
- Javadi Amoli, Abdollah, (2015), *Islam and Environment*, Qom: Esra Press. [In Persian]
- Khomeini, Rooh Allah, (2001), *Sahifeh-ye Imam (Software)*, Tehran: Department the Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Persian]
- Klein, Naom, (2019), *On Fire: The (Burning) Case for a Green New Deal Naomi Klein*, Publisher: Simon & Schuster.
- Lesani, Seyed Behzad & Mashhadi, Ali & Habibnejad, Seyed Ahmad, (2016), *The Relationship between Environment, Government and Citizenship, The Legislative Approach of the Islamic Republic of Iran*, Qom: Islamic Azad University, Qom Branch. [In Persian]
- Mesbah Yazdi, Mohammad Taqi, (2002), *Theological Instructions (5)*, Tehran: Beynalmelal Press. [In Persian]
- Mohaghegh Damad, Seyed Mostafa, (2001), "Environmental Theology", *Farhangestan Oloom*, Volume 17. [In Persian]
- Moshirzadeh, Homeira, (2002), *Social Movements: A Theoretical Introduction*, Tehran: Institute of Imam Khomeini and Islamic Revolution. [In Persian]
- Moshirzadeh, Homeira Hashemi Seyedeh Fatemeh, (2013), "The Role of Transnational Environmental Movements on Global Governance", *Politics Quarterly*, Volume 43, Issue 1 - Serial Number 1. Pages 199-215. [In Persian]
- Motahhari, Morteza, (1996), *Falsafe -ye- Tarikh (Philosophy of History) (4)*, Tehran: Sadra Press. [In Persian]

- Motahhari, Morteza, (2006), *Piramooneh Enghelab Islami*, Tehran: Sadra Press. [In Persian]
- Motahhari, Morteza, (2007), *Yaddasht hay Ostad Motahhari*, Tehran: Sadra Press. [In Persian]
- Motahhari, Morteza, (2008), *An Introduction to the Islamic World View (5) Society and History*, Tehran: Sadra Press. [In Persian]
- Motahhari, Morteza, (2009), *Ayande-e- Enghlab-e- Islami*, Tehran: Sadra Press. [In Persian]
- Motavalli, J, (2002), “Stewards of the Earth”, *The Environmental Magazine*, 13(6). [In Persian]
- Naghavi, Seyed Hosain, (2008), “Modern Social Movements in the Age of Globalization and their Impacts on Iran’s Political Development”, *Encyclopedia of Law and Politics*, Volume 3, issue 7, Pages 99-116. [In Persian]
- Namkhah, Mojtaba, (2017), “Environmental Rights, Awareness and Judgments of the People”, <https://farsi.khamenei.ir/others-note?id=29129>. [In Persian]
- Naserkhaki, Hasan, (2020), Analysis of the Relationships between New Social Movements and the Islamic Revolution in the World Arena, A Thesis Submitted in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree Ph.D, Shahed University. [In Persian]
- Nasr, Seyed Hosein, (2007), *Religion and the order of Nature*, Translated by: Rahmati, Enshaallah, Tehran: Nashre Ney. [In Persian]
- Nasr, Seyed Hosein, (2017), *Islam, The Contemporary Islamic World and the Environmental Crisis*, Translated by: Ali Rezayat, Iran News paper. [In Persian]
- Panahi, Mohammad Hosein, (2002), *The Sociology of Slogans of the Islamic Revolution of Iran*, Tehran: Elm Publication. [In Persian]

- Pirabbasi, Yahya & Rahami, RooHallah & Bayati, Mohammad Hosein, (2019), *The Evolution of the Security Policy of the Islamic Republic of Iran in the Field of Environmental Law*, Ph.D Thesis, Edalat University. [In Persian]
- Roodgar, Mohammad Javad, (2004), *The Philosopher of Nature*, Qom: Vossogh Press. [In Persian]
- Sadr, Seyed Mohammad Bagher, (1990), *Social Traditions and Philosophy of History in the School of Quran*, Translated by: Hosein Manoochehri Mrkaze, Tehran: Nashre Farhangi Raja. [In Persian]
- Salehi, Sadeghy & Hemaiatkah Jahromi Mojtaba, (2014), "Comparative Analysis of Environmental Values between Islam and West World (Secondary Analysis of World Values Survey)", *Quarterly Journal of Social Studies and Research in Iran*, Volume 2, Issue 3 - Serial Number 3. Pages 505-523. [In Persian]
- Seyfzadeh, Seyed Hosein, (2000), *Principles of International Relations*, Tehran: Dadgostar Press. [In Persian]
- Sutton, Philip W, (2013), *The Environment A Sociological Introduction*, Translated by: Sadegh Salehi, Tehran: Samt Press.
- Taherpoor, Mohammad Sharif & Javidi, Tahereh & Bagheri, Khosro & Naghizadeh, Hasan, (2020), "The Bases, Principles, and Methods of Training Environmental Citizens from an Islamic Perspective", *Quarterly Journal of Research in Islamic Education*, Volume 24, Issue 30 - Serial Number 30, Pages 54-88. [In Persian]
- Touraine, Aalaine, (2000), "From Early Modernity to Late Modernity (Interview with AlaineTouraine)", *Social Science* (Month Book).
- Touraine, Aalaine, (2017), *New Paradigm for Understanding Today's World*, Translated by: Salman Sadeghizadeh, Tehran: Elmi Farhangi Publishing.
- Touraine, Aalaine, (1981), *The Voice and the Eye: An Analysis of Social Movements*, Cambridge: Cambridge University Press.

- Touraine, Aalaine, (1985), "An Introduction to the Study of Social Movements", *Social Research*, Vol. 52, No.4, Social Movements, pp.749-787.
- Touraine, Aalaine, (1995), *Critique of Modernity*, Translated by Morteza Mardiha, Tehran: Gme-no Press.
- Ouraine, Aalaine, (2000), *Can We Live Together? Equality and Difference*, Stanford University Press, Translated by: Salman Sadeghiizadeh, Tehran: Sales Press.
- WWF, (2001), WWF Annual Report 2001 (40 Years Conservation Achievement), Available at <http://d2ouvy59p0dg6k.cloudfront.net/downloads/wwf01rapportang.pdf>.
- Yaghoobi, Abolghasem, (2001), "Islam and Environment", *Hawzah Quarterly*, Volume. 105. [In Persian]
- Aminzadeh, Behnaz, (2002), "Religious Worldview and Environment: An Introduction to Islam's Attitude Towards Nature", *Journal of Environmental Studies*, Volume 28, No. 30. [In Persian]